برترین روزنامه‌ها

اعتماد به غرب و دوقطبی‌سازی داخلی

جام جم

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: طیفی از اصلاح‌طلبان که به انتقاد دکتر قالیباف و دیگر نمایندگان از مواضع اخیر آقایان روحانی و ظریف واکنش نشان داده‌اند گروهی هستند که نگاه‌شان همواره متوجه غرب بوده و با وجود تجربیات متعدد شکست‌خورده، راه برون‌رفت کشور از مشکلات را در چارچوب روابط حسنه با غرب ارزیابی می‌کنند بدون آن‌که در نظر بگیرند امریکا و کشورهای اروپایی در طول ۴۰سال گذشته چه اقدامات خصمانه‌ای علیه ایران داشته‌اند و چگونه نشان داده‌اند که هرگز حاضر نیستند منافع ملی ملت ایران را رعایت کنند. آنها همواره با خوی سلطه‌طلبانه و زورگویانه تلاش کرده‌اند اراده خود را بر ما تحمیل کنند. این طیف از اصلاح‌طلبان چشم خود را بر واقعیت می‌بندند و صرفاً در چارچوب آرزوهای خود سخن می‌گویند. اینها در مقابل نگاه خوشبینانه‌ای که نسبت به غرب دارند، نوعی بدبینی و کینه‌ورزی نسبت به کشورهای قدرتمند شرق مانند روسیه و چین از خود نشان می‌دهند. در حالی که در عملکرد اخیر شورای امنیت، هنگامی که اقدام به‌اصطلاح بازگرداندن تحریم‌ها انجام شد، دو کشور چین و روسیه به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت از ما حمایت کردند و قاطعانه در کنار ما ایستادند. این جریان در عوض، اظهاراتی مطرح می‌کنند که به دوقطبی شدن کشور و گسترش بدبینی نسبت به کشورهای روسیه و چین دامن می‌زند، البته باید تأکید کرد که جمهوری اسلامی هرگز قائل به وابستگی به هیچ کشوری نیست و تنظیم روابطش با کشورها در چارچوب منافع ملی و اخلاق متعالی اسلامی صورت می‌گیرد. بنابراین این دسته از اصلاح‌طلبان باید در مقابل ملت و تاریخ پاسخگو باشند که برچه مبنا و اصولی چنین سخنانی را بیان کرده و به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که موجب دامن زدن به دوقطبی در کشور و تضعیف وحدت ملی می‌شودو درنهایت، با تلاش برای تیره کردن روابط ایران با روسیه و چین، منافع ملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

«اصلاح‌طلبان» قاتلان وفاق ملی

کیهان

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: وقتی جناب آقای پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته به پیروزی رسید، شعار «دولت وفاق ملی» را برای خود برگزید. این شعار در ظاهر، کاملاً معقول و منطقی است، اما قسمت عجیب ماجرا، حمایت طیف تندرو مدعی اصلاحات از این شعار است. این در حالی است که در کارنامه این طیف، هیچ نشانه‌ای از پایبندی به «وفاق ملی» مشاهده نمی‌شود. نویسنده با مرور رفتارهای ساختارشکنانه و ضد وفاق جریان مدعی اصلاحات طی سال‌های گذشته نوشته است: حال، در چنین شرایطی که رئیس‌جمهور شعار «دولت وفاق ملی» را سر می‌دهد، حمایت این طیف از این شعار، نه نشانه همراهی، بلکه تلاشی برای مصادره مفهومی است که در عمل همواره با آن بیگانه بوده‌اند. به‌ویژه آنکه این روزها حسین مرعشی، دبیر کل حزب کارگزاران، در اظهارنظری تأمل‌برانگیز گفته است: «وفاق برای کم کردن شرّ مجلس از سر دولت است.» این جمله، به روشنی نشان می‌دهد که در ذهن این طیف، «وفاق» نه به معنای همدلی ملی، بلکه صرفاً ابزاری برای حذف منتقدان و تضعیف نهادهای قانونی کشور است.

در هم‌شکستن مکعب روبیک ترامپ

رسالت

روزنامه رسالت در یادداشتی در توصیف خصوصیات رفتاری ترامپ نوشت: سال گذشته، در بحبوحه رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری امریکا بسیاری از تحلیلگران غربی ترامپ را نمادی از ترکیب «ایده‌آل‌گرایی» و «یکجانبه‌گرایی» در حوزه سیاست داخلی و خارجی دانسته و نسبت به خروجی روش حکمرانی وی علیه موجودیت امریکا و اروپا هشدار دادند. این استراتژیست‌ها و تحلیلگران معتقد بودند مهم‌ترین نقطه آسیب ترامپ فقدان درک توصیفی از تحولات عمیق در دنیاست.

اکنون ترامپ در نقطه‌ای کور سرگردان مانده که حتی خود نیز قدرت ترسیم مختصات آن را ازدست‌داده است. درحالی‌که دولت ترامپ پرونده‌های آتش‌بس غزه، آتش‌بس در جنگ اوکراین، جنگ تجاری با چین و به قول خود مهار حداکثری ایران را بازکرده است، اما قدرت مدیریت این مسائل را ازدست‌داده است. در ابتدای حضور خود در کاخ سفید، ترامپ خود را دارای قابلیت چینش یک مکعب روبیک در نظام بین‌الملل می‌دانست، اما اکنون با یک‌شکل هندسی نامتوازنی روبه‌رو است که ناشی از فاصله عمیق توهمات وی با واقعیات جاری در حوزه روابط بین‌الملل است. به‌عبارت‌دیگر، این مکعب نه‌تنها نماینده اقتدار امریکا و ترامپ نیست، بلکه نماینده شکست و اضمحلال دولت وی است. وضعیت نابسامان، ترامپ را در معرض خطرات بیشتری قرارداده و احتمال افزایش تصاعدی ناهنجاری‌ها و تنش‌ها در سیاست خارجی امریکا را افزایش داده است. این وضعیت نه‌تنها برای امریکا بلکه برای دنیای محدود غرب که به دنبال پایداری و امنیت است، موضوع نگرانی می‌باشد. منتقدان سیاست خارجی امریکا در واشینگتن می‌گویند ترامپ نیاز به بازنگری در نگرش و سیاست‌های خود دارد تا بتواند از این مسیر نابسامان خارج شود، اما چالش‌های بسیاری در انتظار اوست و زمان نیز برای اصلاحات لازم محدود است. فراتر از آن، ترامپ همچنان به‌واسطه حضور سیاستمدارانی آماتور مانند مارک روبیو، جرد کوشنر و ویتکاف در اطراف خود به‌جای گذار از باتلاق خودساخته‌ای که لحظه‌به‌لحظه بیشتر در آن فرو می‌رود، به دنبال تکمیل پازل ایده‌آل‌گرایی متوهمانه خود است! مکعب روبیکی که ترامپ در نوامبر ۲۰۲۴ میلادی وعده آن را داده بود به‌زودی درهم می‌شکند و رئیس‌جمهور منفور امریکا قربانی اصلی آن خواهد بود.

همه چیز تقصیر ایران است؟

صبح نو

روزنامه صبح‌نو در یادداشتی خطاب به آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات نوشت: توییت جدید شما، نماد رادیکالیسم و روحیه تحریف اصلاح‌طلبان تندرو بود. گفتید که مثل لیاخوفی مجلس را به توپ بسته و مثلاً داغ مشروطه سر دادید؛ به توپ بسته شدن مجلس. چرا؟ به چه دلیل؟ چون رئیس مجلس گفته که در شرایط فعلی سخن برخی مسئولان سابق علیه محور شرق به صلاح کشور نیست، یعنی اگر رئیس مجلس گفته باشد حالا که پس از اجرای مکانیسم ماشه، روسیه و چین زیر بار حرف امریکا و اروپا نمی‌روند و مشروعیت اقدام غرب را زیر سؤال بردند و در مقابل شورای امنیت ایستادند، حمله به این دو کشور خلاف مصلحت ملی است، گوینده می‌شود طرفدار روسیه. بعد اگر عاملان مکانیسم ماشه هر چه دوست داشته باشند، بگویند نه‌تنها عیبی ندارد که عین منافع ملی است. این منطق شماست خانم منصوری. در منطق شما و دوستان‌تان، مکانیسم ماشه هم حتماً تقصیر ایران است. تقصیر ایران است که روی موشک‌ها نوشت، مرگ بر اسرائیل. تقصیر ایران است که در فلان روزنامه‌اش علیه توافق هسته‌ای نوشتند و باعث شدند ترامپ از برجام خارج شود. همه اینها تقصیر جمهوری اسلامی است. مهم غرب است که با نگاه شما حق دارد، درست می‌گوید و ما اشتباه می‌کنیم که منویات اینها را گوش نمی‌کنیم. مگر نگفته بودند، برد موشک‌ها را بالا نبرید؟ چرا گوش نکردیم؟ مگر نگفته بودند که مقابل داعش نایستید؟ چرا گوشش نکردیم؟ باید گوش می‌کردیم. غنی‌سازی تعطیل، چشم. موشک تعطیل، چشم. منطقه تعطیل، چشم. خوش و بش با ترامپ در نیویورک، حتماً. رفتن به شوی شرم‌الشیخ، بله، بله، حتماً. اسلحه چیست؟ ساز بگذارید به جایش. حالا تهران را زدند که زدند، کاری کنید، نزنند، تسلیم شوید. این منطق شما و دوستان‌تان است!»

گفت‌وگو

فائزه‌سادات یوسفی

در گفت‌وگوی «جوان» با قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ معاصر بررسی شد

۴ مؤلفه مبارزه با استعمار مدرن

در دنیای امروز که غرب به طور مداوم تلاش می‌کند با احاطه بر افکار عمومی، جهان را مطابق منافع خود استثمار کند، پدیده «استعمارشناسی» ضروری و لازم به نظر می‌رسد، به همین بهانه گفت‌وگویی با آقای قاسم تبریزی، مورخ و پژوهشگر تاریخ معاصر داشتیم تا با مبدأشناسی جریان استعمار، شیوه‌های مدرن‌شده امروزی و راه‌حل‌های موجود را با محوریت دیدگاه و بیانات مقام معظم رهبری ارائه کنیم.

رهبر معظم انقلاب، در بیانات خود «استعمار» را در تاریخ دارای سه مرحله اصلی غارت منابع طبیعی کشورها، تخریب فرهنگ آنها و استحاله هویت ملی و اسلامی دانستند که امروزه هر سه مرحله باهم صورت می‌گیرد. شما با توجه به شرایط کنونی چگونه آن را تفسیر می‌کنید؟

برای تحلیل این موردی که فرمودید، ابتدا باید پدیده «استعمار» را بشناسیم. استعمار غرب پس از رنسانس شکل گرفت یا اگر دقیق‌تر بگوییم رنسانس دستاوردهایی در جهان داشت که یکی از آنها تکنولوژی و صنعت بود و دوم دانش بشری در برابر دانش الهی، یعنی علوم انسانی که بر پایه عقل و روش علمی بنا شد. همین مسئله از منظر فرهنگی، مبانی انسان‌شناسی و ایدئولوژی جای نقد دارد، اما سومین دستاورد، خود استعمار بود. استعمارگران برای سلطه بر جهان برنامه‌ریزی کردند و اولین گام آنها تأسیس مراکز شرق‌شناسی، ایران‌شناسی، عرب‌شناسی، ترک‌شناسی و نیز اسلام‌شناسی بود، البته در ۲۰سال اخیر، شیعه‌شناسی هم در امریکا از سوی فردی مانند گراهام فولر که گفته می‌شود جاسوس سیا بوده و ۲۵سال در کشورهای حوزه خلیج‌فارس فعالیت داشته، آغاز شده است، بنابراین استعمار با مطالعه همه‌جانبه در مورد کشورها از فرهنگ اجتماعی و دینی گرفته تا آداب و سنن، اخلاقیات، خلقیات، خصوصیات، منابع زیرزمینی، ثروت‌های طبیعی و حتی مشکلات داخلی برنامه‌ریزی خود را پیش برده است. استعمارگران برای تسلط بر جوامع، چند مرحله را دنبال می‌کنند: اول، فرهنگ و سنت آن جامعه را تغییر می‌دهند. دوم، ثروت و منابع آن را غارت می‌کنند و مردم را به فقر می‌کشانند. سوم، با جذب و به‌کارگیری نخبگان و مشاهیر، سعی در منحرف کردن و به انحطاط کشاندن جامعه دارند. موضوع بعدی گسترش فساد و تباهی است که از جمله ابزارهای مهم سلطه استعماری محسوب می‌شود. این رویکرد تنها مختص ایران نبوده است. به عنوان نمونه، مهاتما گاندی در سال ۱۹۱۸ در نامه‌ای به سازمان ملل متحد (که در آن زمان تازه تأسیس شده بود) اشاره می‌کند: «من از کشوری سخن می‌گویم که روزگاری نه چندان دور، مردمی خوشبخت و ثروتمند داشت و زندگی آرامی در آن جریان داشت. در این سرزمین بیش از ۷۰۰هزار روستا وجود داشت و روابط مردم با یکدیگر دوستانه و صمیمانه بود، اما از زمانی که پای استعمار به هندوستان باز شد، نیمی از سال، مردم بیکار شدند، تولید متوقف شد، فرهنگ مصرف‌گرایی گسترش یافت و فساد و تباهی از جمله شرابخواری رواج پیدا کرد. استعمارگران بر مردم مسلط شدند و فرهنگ‌شان را تغییر دادند.» در ایران نیز پس از دوران صفویه که دوره اقتدار و انسجام ملی بود، با شروع جنگ‌های روس و دخالت انگلیس، جامعه به تدریج دچار سرگشتگی و ناامنی شد. انگلیسی‌ها جریان‌هایی مانند اسماعیلیه آقاخانی، درویشی‌گری و فراماسونری را راه انداختند و گسترش دادند. یکی از محققان انگلیسی اشاره می‌کند که از دوران قاجار، ۲۷سفرنامه و خاطرات از طریق ۲هزارو۲۱۷ نفر در کمتر از ۱۵۰سال نوشته شده است. این همان چیزی است که از آن به عنوان «تحقیقات شرق‌شناسی» یاد می‌کنیم. در کنار آن، تجددگرایی و غرب‌گرایی نیز ترویج شد و نطفه‌های غرب‌زدگی و روشنفکری کاذب پدید آمد. احزاب نیز همین مسیر را در پیش گرفتند. در جریان انقلاب مشروطه که برای آزادی، استقلال و حاکمیت قانون شکل گرفته بود، جو ناامنی گسترش یافت. پلیس جنوب از سوی انگلیس تشکیل، ایران اشغال و قرارداد ۱۹۱۹ تحمیل شد. در دوره رضاخان که با کودتای انگلیسی‌ها به قدرت رسید، فرهنگ اجتماعی تغییر کرد، آداب و سنن اسلامی تعطیل شد، حوزه‌های علمیه و برخی مساجد تعطیل شدند و تدریس کتب اسلامی و تعلیمات دینی در مدارس ممنوع شد. این روند تا سال ۱۳۲۰ ادامه یافت. از این زمان، امریکایی‌ها نیز وارد شدند و علاوه بر ادامه فساد اخلاقی، به گسترش آن پرداختند. تا پیروزی انقلاب، اسلام‌ستیزی و اسلام‌زدایی ادامه یافت. در دولت امیرعباس هویدا، بهائی‌ها و صهیونیست‌ها در ایران فعال بودند. فراماسون‌ها مجلس، وزارت امور خارجه و دولت را در دست داشتند و حتی برخی از ارتشی‌ها نیز به آنها وابسته بودند. با حضور بیش از ۳۵هزار مستشار امریکایی، ارکان مملکت و نهادهای مدیریتی تحت کنترل آنان قرار گرفت. ساواک تأسیس شد، رادیووتلویزیون، کاخ جوانان و نهادهای مشابه ایجاد شد. در سال ۱۳۵۰، هویت شاهنشاهی و ایران باستان به طور رسمی تبلیغ می‌شد. پس از پیروزی انقلاب و احساس خطر از گسترش انقلاب اسلامی به جهان، غرب در سه جبهه به مبارزه پرداخت:

۱- مبارزه ایدئولوژیک: ایجاد جریان‌های انحرافی مانند القاعده، طالبان و داعش که در حقیقت کاریکاتوری از اسلام بودند تا به غربی‌ها القا کنند که اسلام همین خشونت‌ها و افراطی‌گری‌هاست. این رویکردی بود مشابه آنچه در دوران قاجار با ایجاد فرقه‌هایی مانند بابی‌گری، بهائیت و درویش‌گری به عنوان نمادهای ساختگی اسلام انجام شده بود.

۲- تهاجم فرهنگی: تولید و توزیع فیلم‌ها و نشریات مبتذل که به ویژه از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۰ با ورود شبکه‌های ماهواره‌ای شتاب گرفت و بنیان خانواده‌ها را نشانه رفت.

۳- جذب روشنفکران و ایجاد شکاف داخلی: با جریان‌سازی در داخل کشور و دامن زدن به اختلافات، شبهات و درگیری‌ها از حدود سال ۱۳۷۶.

در این روند، آنان کوشیدند هویت ایرانی را در هویت جهانی حل کنند و شعار ما باید در نظم جهانی ادغام شویم را ترویج دادند که در واقع به معنای تبعیت از امریکا بود، بنابراین دشمن بر نسل جوان متمرکز شد تا آنان را از اسلام، دین، سنت و انقلاب جدا کند که امروزه، با ظهور فضای مجازی، این تهاجم ابعاد گسترده‌تری یافته است.

برای مقابله با این دست اقدامات غربی‌ها، مقام معظم رهبری چه راهکارهایی مطرح کردند؟

مقام معظم رهبری چهار راهکار اساسی برای مواجهه با آن ارائه کرده‌اند:

اول: تولید علم

ما باید در تمام زمینه‌ها، به ویژه علوم انسانی و علوم پایه، به تولید علم بپردازیم. این تولید علم، قدرت و اقتدار همه‌جانبه برای کشور به ارمغان می‌آورد.

دوم: جهاد تبیین

علوم و مبانی تولیدشده در حوزه‌های مختلف مانند ایدئولوژی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حکومت دینی و مردم‌سالاری دینی باید به درستی تبیین شوند. این تبیین باید برای سطوح مختلف از دانش‌آموز و دانشجو تا عموم جامعه قابل درک و دریافت باشد.

سوم: بهره‌گیری از هنر

مبانی ایدئولوژیک و دینی باید با استفاده از ابزارهای هنری از شعر، داستان و رمان تا فیلم، تئاتر، نقاشی و عکاسی به زبان هنر ترجمه و انتقال یابد.

چهارم: انسجام و وحدت ملی

این وحدت، به ویژه در حل مشکلات اقتصادی، نقش کلیدی دارد. امروز ما در یک جنگ نابرابر قرار داریم، اما در عین حال دستاوردهای چشمگیری در سه دهه اخیر و حتی در پنج دهه پس از انقلاب داشته‌ایم. در کنار ریزش‌هایی که وجود داشته، رویش‌های گسترده‌ای در عرصه‌های فکری، سیاسی و علمی به ویژه در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه شکل گرفته است. اگر بپذیریم درگیر جنگ همه‌جانبه به‌ویژه در عرصه فرهنگی هستیم، باید به «جهاد فرهنگی» روی آوریم. در همین راستا درس‌های رهبری را می‌توان در سه محور خلاصه کرد. اول معیشت مردم است. مسئولان باید با اجرای قوانین، کنترل تورم، افزایش تولید، نظم‌بخشی به بازار و مبارزه با فساد، به بهبود معیشت و تحقق عدالت اجتماعی کمک کنند. دومین مسئله فرهنگی است که ذیل آن باید جهاد فرهنگی، تولید علم و جهاد تبیین جدی گرفته شود. یک کشور ۹۰میلیونی تنها با ۱۰یا ۱۰۰کتاب و هزار مقاله سیراب نمی‌شود. دغدغه فرهنگ باید دست‌کم ۱۰برابر دغدغه‌های اقتصادی باشد. آخرین موضوع، حفظ وحدت و انسجام است که برای تحقق آن باید از مسائل جزئی گذر و بر کلیات یعنی اسلام، انقلاب و نظام تمرکز کرد. همان‌گونه که در دوران امام خمینی(ره) همه حول محور ولایت فقیه جمع شدند، امروز نیز همین مسیر باید ادامه یابد. اکنون حرکت به سمت تولید علم و جهاد تبیین آغاز شده است، اما کافی نیست. دانشگاه و حوزه باید حضوری پررنگ‌تر و مسئولانه‌تر داشته باشند.

مجلس

بررسی سؤال ۹ نماینده از وزیر خارجه در کمیسیون امنیت ملی از دیپلماسی اقتصادی تا نقش فرانچسکو در برجام

فقط ۳ نماینده از پاسخ‌های عراقچی قانع شدند

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از طرح و بررسی سؤالات ۹نماینده مردم در بهارستان از وزیر امورخارجه خبر داد و گفت: سؤالات نمایندگان در خصوص دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی آب، اجرای قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم‌صهیونیستی، سفر بازرسان آژانس به تهران، نقش فرانچسکو در برجام و همکاری‌های ایران با چین و روسیه بررسی و تعدادی از نمایندگان از پاسخ وزیر قانع شدند و برخی سؤالات به صحن ارجاع شد.

به گزارش خانه‌ملت، ابراهیم رضایی در تشریح نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با وزیر امورخارجه گفت: در نشست با آقای عراقچی، سؤالات ۹نفر از نمایندگان مطرح شد که بخش عمده آنها مربوط به حوزه دیپلماسی اقتصادی، اجرای ماده ۱۰۱ قانون برنامه هفتم توسعه و اولویت‌بخشی به ارتباط با کشورهای همسایه بود.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: وزیر امورخارجه در پاسخ به سؤالات تأکید کرد که دیپلماسی اقتصادی در دستور کار وزارتخانه قرار دارد و این مجموعه نقش خود را در حوزه اقتصادی، راهگشایی، تسهیل‌گری و رفع موانع تعریف کرده است. وی عنوان کرد سیاست خارجی کشور با رویکرد اقتصادمحور تقویت شده و در همین راستا فعال کردن دیپلماسی استانی با هدف استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی استان‌ها در تعامل با همسایگان بوده است. وزیر امور خارجه همچنین از پیگیری دیپلماسی آب در این وزارتخانه و تدوین سند ملی دیپلماسی آب خبر داد و اعلام کرد در حال حاضر در ۱۶کشور وابستگان بازرگانی فعالیت دارند که از سوی سازمان توسعه تجارت و وزارت صمت تعیین می‌شوند. به گفته سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در ادامه نشست، سؤالات نمایندگان سبزوار، کرج، بندرعباس و ارومیه مطرح شد که از میان این افراد، محبی‌نجم‌آبادی از پاسخ وزیر قانع شد، جهانگیری و عباسی مهلت بررسی بیشتری خواستند و مرادی از پاسخ وزیر قانع نشد. محمدتقی نقدعلی، نماینده مردم خمینی‌شهر نیز درباره اجرای قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم‌صهیونیستی علیه صلح و امنیت سؤالی را مطرح کرد که وزیر امور خارجه پاسخ داد و نماینده مذکور از پاسخ وی قانع شد.

اجازه ورود بازرسان به مراکز مورد حمله را ندادیم

رضایی گفت: همچنین منوچهر متکی، نماینده مردم تهران نیز درباره علت سفر بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران از عراقچی سؤال کرد که وی در پاسخ اعلام کرد حضور بازرسان در ایران، طبق قانون مجلس رفتار می‌شود و بر اساس تفسیر قانون، هرگونه درخواست دسترسی به مراکز هسته‌ای باید به شورای عالی امنیت ملی ارجاع داده شود، در این زمینه ممکن است اجازه داده شود و شاید هم اجازه داده نشود، همچنین این شورا نیز موضوع را به کمیته هسته‌ای تفویض کرده است. وزیر امورخارجه همچنین در رابطه با علت موافقت با بازرسی‌های اخیر نیز تصریح کرد که در این بازرسی‌ها هیچ‌گونه دسترسی به مراکزی که در جنگ اخیر مورد حمله دشمن قرار گرفتند، داده نشده است. تنها دو مورد دسترسی به نیروگاه بوشهر برای تعویض سوخت و رآکتور تحقیقاتی تهران که با سوخت ۲۰درصد کار می‌کند و برای تولید رادیودارو برای بیش از یک میلیون ایرانی انجام شده که این موارد نیز با تأیید سازمان انرژی اتمی و اجازه شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته است. هیچ مجوز دیگری برای دسترسی به مراکز هسته‌ای صادر نشده است، در این راستا آقای متکی نیز با توجه به نمایندگی جمعی از نمایندگان مهلت خواست پس از مشورت، نظر نهایی خود را درخصوص پاسخ وزیر اعلام کند.

نقش فرانچسکو در برجام

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس افزود: در ادامه این نشست، سؤال مالک شریعتی‌نیاسر، نماینده مردم تهران، شمیرانات، ری، اسلامشهر و پردیس در مورد نقش فردی به نام فرانچسکو در برجام و نقش دیپلمات‌های ایرانی در تهیه متن نهایی برجام مطرح شد، وزیر امور خارجه در پاسخ گفت اسنپ‌بک ارتباطی با فرانچسکو نداشته و مذاکرات اصلی از سوی گروه سیاسی انجام شد و ضمائم را دیگران مذاکره کردند. وی توضیح داد ما نیز تأکید داشتیم که تحریم‌ها نباید تعلیق شود بلکه باید برداشته شود. وی اعلام کرد آقای فرانچسکو فرد مذاکره‌کننده از طرف اتحادیه اروپا در موضوع تحریم بود و البته تأثیر فوق‌العاده‌ای در برجام، تحریم‌ها و محتوا نداشته است. شریعتی از پاسخ وزیر قانع نشد و سؤال به صحن علنی ارجاع شد.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ادامه داد: احمد راستینه‌هفشجانی، نماینده مردم شهرکرد نیز درباره علت عدم‌اعلام پایان توافق برجام سؤال کرد که وزیر امور خارجه در پاسخ گفت، جمع‌بندی آن است که قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه پیدا کرده اما برجام خاتمه نیافته است و شورای عالی امنیت ملی باید در این زمینه تصمیم بگیرد. از آنجا که برجام غنی‌سازی ایران را به رسمیت شناخته و از نظر شورای امنیت نیز معتبر است، جمع‌بندی شد که اعلام خروج نکنیم. آقای عراقچی همچنین گفت سه کشور اروپایی، چین و روسیه از برجام خارج نشده‌اند و از سال ۱۳۹۹ ایران اجرای تمام تعهدات خود را متوقف کرده است، در این میان باید گفت از آنجا که برخی بندهای برجام به نفع ایران است، تصمیم گرفته شد عضو آن باقی بمانیم. وی تصریح کرد: وزیر امور خارجه در بخش دیگری از اظهارات خود تأکید کرد که همکاری‌های ایران با چین و روسیه در چارچوب توافق‌های بلندمدت ۲۰ و ۲۵ساله است و همکاری‌ها در سطح خوبی ادامه دارد، در نهایت نماینده مردم شهرکرد، بن و سامان در مجلس از پاسخ وزیر قانع شد. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی با اشاره به سؤالات دیگر نمایندگان بیان کرد: کمال حسین‌پور، نماینده مردم پیرانشهر و سردشت نیز درباره پیگیری اقدامات وزارت امور خارجه در خصوص جنایات رژیم بعث صدام در سردشت و پیگیری حقوقی آن در محاکم بین‌المللی سؤال کرد که از پاسخ و توضیحات وزیر قانع نشد. رضایی خاطرنشان کرد: از مجموع سؤالات مطرح‌شده، آقایان نجم‌آبادی، نقدعلی و راستینه‌هفشجانی از پاسخ‌های وزیر قانع شدند، آقایان مرادی، حسین‌پور و شریعتی نیاسر قانع نشدند و آقایان عباسی و متکی و خانم جهانگیری خواستار مهلت برای بررسی بیشتر شدند.

خبر

در همایش بین‌المللی «افول امریکا» مطرح شد

نشانه‌های افول امریکا از درون آشکار شده است

کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه درباره افول امریکا بحث‌های متعددی شده است، گفت: درست است که امریکا در زمینه‌های متعدد دچار افول شده ولی نکته مهم افول هنجاری امریکاست.

نشست سیاست و روابط بین‌الملل در دوران افول امریکا در سومین همایش بین‌المللی افول امریکا در محل لانه جاسوسی سابق برگزار شد. در این نشست ثمانه اکوان، کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه درباره افول امریکا بحث‌های متعددی شده است و ابعاد مختلفی نیز دارد، گفت: امریکا درست است که در زمینه‌های متعدد دچار افول شده ولی نکته مهم افول هنجاری امریکاست. امریکا توان هنجارسازی خود را از دست می‌دهد و قدرت‌های جدید، هنجارهای خود را به عنوان جایگزین به دنیا تحمیل و کشورهای دیگر از این هنجارها تبعیت می‌کنند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل افزود: حمایت امریکا از نسل کشی در غزه در برابر شعار و هنجار مبارزه با تروریسم باعث تکثر هنجاری در جهان می‌شود. افول امریکا مستقیماً به افول جامعه‌پذیری بین‌المللی منجر و باعث ایجاد الگوهای جدیدی می‌شود که در عرصه اقتصادی چین و در زمینه‌های نظامی-امنیتی شاهد روسیه هستیم.

ابوالفضل عمومی، دستیار رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌الملل در این پنل با بیان اینکه افول غیر از فروپاشی و شکست است و اولین برداشت من از افول این است که افول نسبی نیست و به معنای خیزش عوامل دیگر کنار امریکا و سهم‌خواهی قدرت‌های نوظهور است، گفت: قطبیت داخلی امریکا و شکاف اجتماعی در این کشور نکته حائز اهمیتی است و جامعه امریکایی الان به دو قله مختلف نزدیک شده و نظرسنجی‌ها حاکی از این است که جامعه امریکایی از وجوه اشتراکی فاصله می‌گیرد و مفاهیم متعددی چون مهاجرت و جهانی شدن، ظهور و بروز پیدا می‌کند.

وی افزود: امریکا امروز در مقایسه با سایر کشورها در بسیاری از شاخص‌ها چون بنادر و دریانوردی به رتبه ۱۳جهان رسیده و حتی جای خود را به قدرت‌هایی چون چین داده است. شهروندان امریکایی در ترندهای مختلفی در تیک تاک به بیانی می‌گویند زندگی ما آن زندگی سابق نیست و رشد بحران بدهی از نشانه‌های دیگر این افول است.

عمویی با بیان اینکه امریکا در بعضی وجوه قدرت پیشرو و جلودار است که یکی از آنها تولید علم و فناوری است و باید بدانیم افول امریکا به معنای حذف امریکا نیست، تصریح کرد: تا موقعی که دلار موقعیت خود را به عنوان ارز رایج بین‌المللی حفظ می‌کند، نشان می‌دهد که در میان‌مدت و بلندمدت همچنان امریکا را به عنوان بازیگر مؤثر خواهیم داشت.

عمویی با تأکید بر اینکه هم برآمدن ترامپ واکنشی به افول امریکاست و هم نوع رفتار ترامپ تشدیدکننده این افول است، بیان داشت: ترامپ در دوره اول و دوم خود حتماً بخشی از شاخص‌های اقتصادی را به سمت مثبت حرکت می‌دهد و برخی ناترازی‌های کلان اقتصاد امریکا را مدیریت می‌کند ولی این بخشی از یک روند کلان است و در ازای آن، برخی اختلاف‌ها به هنجارسازی امریکا در عرصه بین‌الملل ضربه می‌زند و این باعث افول امریکا می‌شود.

نماینده سابق مجلس با اشاره به اینکه پیامد جنگ اوکراین در محیط بین‌الملل افزایش قطبیت بود و حامیان روسیه کنار هم جمع شدند و اروپا به امریکا نزدیک‌تر و وابسته‌تر شد و فروش سوخت و سلاح امریکا را افزایش داد، گفت: افول در داخل امریکا بازتاب‌هایی دارد و در رویکردها و سیاست‌های امریکایی‌ها نیز قابل مشاهده است.

یادداشت

«حزب‌الله» بازیگر خردمند

حزب‌الله لبنان امروز در یکی از نقاط حساس تاریخ خود به سر می‌برد؛ وضعیتی که ریشه در متغیرهای کلان غرب آسیا و ماهیت سیاست‌های راهبردی واشینگتن و تل‌آویو دارد.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۲۸ خود نوشته است: دولت دونالد ترامپ و متحدان منطقه‌ای‌اش تلاش دارند با فشار سیاسی و نظامی و تبلیغ عبارت فریبنده «صلح منطقه‌ای»، کانون‌های مقاومت علیه اشغالگری را هدف قرار دهند و پروژه خلع سلاح را پیش ببرند.

در چنین فضایی، رفتار حزب‌الله در ماه‌های گذشته نشان‌دهنده اتخاذ راهبردی هوشمندانه و خردمندانه است که دو چالش اصلی پیش روی این جنبش را مدیریت می‌کند. چالش نخست، تداوم حملات پراکنده و هدفمند اسرائیل به لبنان است. از زمان اعلام آتش‌بس اسرائیل با لبنان، نقض مکرر آتش‌بس (بیش از ۴هزار مورد) و عملیات‌های ترور هدفمند در خاک لبنان ادامه یافته است؛ رفتاری که بسیاری آن را تلاشی برای وادار ساختن حزب‌الله به واکنش گسترده و فراهم آوردن بهانه برای آغاز جنگی فراگیر می‌دانند.

در پاسخ، حزب‌الله به‌جای اقدام هیجانی یا آغاز جنگ گسترده، از استراتژی خویشتنداری تاکتیکی استفاده کرده است. اظهارات اخیر شیخ نعیم قاسم دبیر کل حزب‌الله نمایانگر همین راهبرد است، یعنی آمادگی کامل برای دفاع و مخالفت قاطع با هر تلاشی برای تضعیف مقاومت.

شیخ نعیم قاسم در گفت‌وگو با شبکه المنار تأکید کرد: ما به‌عنوان مقاومت آماده دفاع هستیم اما آماده به راه انداختن جنگ نیستیم. ما نه تصمیمی برای جنگیدن داریم و نه تصمیمی برای شروع جنگ، اما اگر جنگی به ما تحمیل شود، حتی اگر چیزی جز یک تخته چوب نداشته باشیم، اجازه عبور به اسرائیل را نخواهیم داد. چالش دوم، فشارهای سیاسی و دیپلماتیک برای خلع سلاح حزب‌الله است که از سوی امریکا و اسرائیل پیگیری می‌شود. در داخل لبنان، بحران اقتصادی و شکاف‌های سیاسی پیچیده‌ای وجود دارد که هرگونه تحریک داخلی می‌تواند به یک بحران طولانی و فراگیر منجر شود که همه گروه‌ها بازنده این بحران خواهند بود.

حزب‌الله اما با تأکید مستمر بر مشروعیت سلاحش به‌عنوان ابزار دفاع ملی و با تلاش برای جلوگیری از تبدیل این مسئله به جنگ داخلی، مسیر حفظ انسجام داخلی را پی گرفته است.

به عبارت دیگر، رویکرد حزب‌الله نه تقابل با جریان‌های لبنانی، بلکه تلاش برای حفظ ثبات و ممانعت از بهره‌برداری دشمن از اختلافات داخلی است.

این بازی هوشمندانه بر سه ستون قرار دارد: خویشتنداری نسبت به تحریکات اسرائیل، حفظ سلاح مقاومت به‌عنوان تضمین امنیت ملی و تقویت انسجام سیاسی و اجتماعی در داخل لبنان. ترکیب این سه عنصر، هم توان بازدارندگی را حفظ می‌کند و هم مانع از سقوط کشور در گرداب جنگی می‌شود که هدف اصلی پروژه‌های خارجی است.

در مجموع باید تأکید کرد که حزب‌الله با کنشگری هوشمندانه خود در محیط ملتهب منطقه نشان داده است که توانایی تبدیل تهدیدات خارجی به فرصتی برای نشان دادن مسئولیت‌پذیری ملی و مدیریت بحران را دارد به‌گونه‌ای که از یک سو از امنیت مرزها دفاع شود و از سوی دیگر از فروپاشی داخلی جلوگیری گردد.